

<div></div>
خط زرد

هشدارهای پلیس درباره پیشگیری از سرقت در معابر و اماکن عمومی

- از حمل پول نقد بدون پوشش و حفاظت مناسب به ویژه هنگام خروج از بانک خودداری و تا حد امکان از چک های بانکی استفاده کنید.
- از حمل و نقل پول نقد زیاد و اقلام قیمتی خود به صورت پیاپاده در هر شرایطی بپرهیزید.
- از جابه جایی و حمل غیر ضروری اسناد و مدارک با ارزش خودداری کنید.
- از شمارش پول در انتظار عمومی که موجب تحریک سارقان می شود، بپرهیزید.
- چنان چه به اقتضای شغل خود مجبور به حمل پول نقد هستید، از وسایل نقلیه عمومی استفاده و از سوار شدن به خودروهای متفرقه شخصی به ویژه در مسیرهای پرت، خلوت و خارج شهر خودداری کنید.
- هنگام دریافت پول و خروج از بانک مراقب اطراف خود به ویژه موتورسواران مشکوک باشید.

- در صورتی که مجبور به استفاده از خودروهای شخصی هستید، وضعیت داخل خودرو از قبیل درها، شیشه بالا بر و... را بررسی کنید و با مشاهده موارد مشکوک یا حرکات و صحبت های نابه جا، به صورت معقول از خودرو پیاده شوید و از مردم کمک بگیرید و با به خاطر سپردن شماره پلاک، رنگ و سایر مشخصات آن نیروی انتظامی را مطلع کنید.

- در صورت مشاهده تغییر مسیر بی تفاوت نباشید و به سرعت به راننده متذکر شوید.
- در بین راه از قبول هر گونه خوردنی و نوشیدنی از راننده و مسافران بپرهیزید.

سرهنگ بوستانی
رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی
<div></div>
از میان خبرها
<div></div>

پلیس کلاهبرداران را از دیوار پایین کشید

توکلی - رئیس پلیس آگاهی استان کرمان از متلاشی شدن یک باند حرفه‌ای کلاهبرداری خبر داد که از طریق سایت «دیوار» به سطح وسیع اقدام به کلاهبرداری می‌کردند. به گزارش خبرنگار ما، کارآگاه سرهنگ حسن پور گفت: در پی شکایت چند نفر در خصوص کلاهبرداری از طریق نشر آگهی در سایت "دیوار" بلافاصله رسیدگی به موضوع در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت. وی افزود: پس از ثبت شکایت‌ها، با تلاش کارآگاهان و انجام اقدامات اطلاعاتی اعضای یک باند چهار نفره کلاهبرداری شناسایی و طی عملیاتی دستگیر شدند. وی خاطر نشان کرد: کلاهبرداران با نشر آگهی فروش لوازم خانگی از جمله تلفن همراه، تبلت، تلویزیون، یخچال، ظروف و دیگر لوازم در سایت دیوار با قیمت های بسیار نازل و شرایط عالی از کلاهبرداری از طریق "تحریک"، تشویق و تطمیع اقدام می کردند. این مسئول انتظامی با اشاره به این که متهمان پس از دستگیری به جرایم ارتكابی اقرار کردند، از معرفی و تحویل مجرمان به مرجع قضایی خبر داد.

دختر ۱۹ ساله جانش را پای فرار از خانه گذاشت!

فرمانده انتظامی هفتکل از قتل دختری ۱۹ ساله از اهالی بخش رغبیه این شهرستان به دلیل اختلاف خانوادگی خبر داد.
به گزارش ایسنا، سرهنگ علی تقدسی به کشف جسد دختر جوان ۱۹ ساله در بخش رغبیه از سوی مأموران نیروی انتظامی اشاره کرد و گفت: براساس بررسی‌های انجام شده، مقتول بر اثر خفگی و ضربه‌های وارد شده به قتل رسیده است. وی علت این قتل را اختلاف خانوادگی اعلام و بیان کرد: در پی فرار این دختر جوان از منزل، اعضای خانواده اقدام به قتل او کرده‌اند. سرهنگ تقدسی به دستگیری چهار نفر در این زمینه‌اشاره و اظهار کرد: جزئیات بیشتر این قتل در دست بررسی است.

آتش‌سوزی در بیمارستان آلمان قربانی گرفت

مقامات آلمانی از کشته شدن یک نفر و مصدوم شدن ۱۹ نفر دیگر در پی وقوع آتش‌سوزی در بیمارستانی در شهر غربی "دوسلدورف" این کشور خبر دادند.
به گزارش ایسنا، سخنگوی سازمان آتش نشانی دوسلدورف اعلام کرد: هفت نفر به دلیل استنشاق دود ناشی از این آتش‌سوزی مصدوم شده‌اند که حال چهار نفر از آن‌ها وخیم است. یک مرد ۷۷ ساله نیز در محل حادثه کشته شده است. بنا بر گزارش آسوشیتدپرس، علت وقوع این آتش‌سوزی در دست بررسی است.

پنجشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۸

۱۲ محرم ۱۴۴۱، شماره ۳۰۱۹۳

<div></div>
خط زرد

سجاد پور - دو مهاجم نقابدار که مسلح به سلاح شکاری بودند، مرد ۲۴ ساله ای را مقابل چشمان وحشت زده همسر و دو فرزند خردسالش به قتل رساندند و از محل جنایت گریختند.

به گزارش خراسان، شب شانزدهم شهریور در حالی که عقربه های ساعت به ۲۲ نزدیک می شد، دو جوان موتور سوار به خیابان پانیز ۳ در شهر ک شیرین مشهد رسیدند و مقابل ساختمان ویلایی دو طبقه توقف کردند و محکم در منزل را کوبیدند چرا که آیفون این ساختمان خراب بود!

لحظاتی بعد مرد ۲۴ ساله پله های ساختمان شمالی را طی کرد تا از طبقه دوم به پایین رسید و در منزل را گشود. او با دیدن مردان نقابدار خشمگین که اسلحه به دست داشتند، وحشت زده به طرف پله ها دوید و در حالی که فریاد می کشید «بی شرف ها آمدند!» خطاب به همسرش گفت: «بچه ها را داخل اتاق ببر!!»

همسر این مرد نیز بی درنگ و با نگرانی کودکانش را به آغوش کشید تا آن ها را به داخل اتاق ببر اما در این هنگام مهاجمان مسلح پشت سر مرد جوان از پله ها بالا آمدند و او را که با چشمانی حیران و وحشت زده فرار می کرد به دام انداختند.

این مرد که سایه مرگ را بالای سر خود می دید با اضطرابی که سراسر وجودش را فرا گرفته بود از مسیر خود بازگشت تا در راهرو را به روی مهاجمان مسلح ببندد ولی دیگر دیده شده بود و ناگهان صدای شلیک گلوله های ساچمه ای در فضا پیچید و بر نشست!

به گزارش اختصاصی خراسان، ماجرای این جنایت هولناک مدتی قبل از آن جا آغاز شد که جوان ۲۵ ساله ای در یک نزاع دسته جمعی خونبار از ناحیه سر و شش هایش به شدت آسیب دید به طوری که تحت عمل های سنگین جراحی قرار گرفت و قانون نیز دیه سنگین چند صد میلیونی تعیین کرد تا به مصدوم این حادثه خونین پرداخت شود.

درحالی که تلاش های اطرافیان برای ایجاد صلح و سازش و گذشت مصدوم به نتیجه نرسیده بود، ناگهان شعله های انتقام زبانه کشید و این نزاع خیابانی به نقشه ای وحشتناک برای زهر چشم گرفتن از طرف مقابل انجامید.

گزارش خراسان حاکی است: این ماجرای هولناک با تعقیب جوان ۲۱ ساله ای ادامه یافت که ششم شهریور قصد گرفتن دارو از داروخانه ای در منطقه طرق مشهد داشت. در این هنگام بود که ناگهان سه جوان از جنابیه خود بیرون آمدند و به سوی جوان ۲۱ ساله هجوم بردند.

آن ها او را به گوشه ای خلوت کشاندند و در حالی که مشت های گره کرده سرآغاز این نزاع وحشتناک بود، جوان ۲۵ ساله ای به نام «م-ر» با وارد آوردن چندین ضربه چاقو، جوان ۲۱ ساله را نقش بر زمین کرد. سه جوان که نقشه مرگبار خود را با برنامه ریزی کامل اجرا کرده بودند، بی درنگ از محل وقوع حادثه گریختند و به مکان نامعلومی طلajat و جواهرات صاحبان و مشتریان

نقابداران مسلح مرد جوان را مقابل چشمان خانواده اش کشتند!

داشند، وحشت زده به طرف پله ها دوید و در حالی که فریاد می کشید «بی شرف ها آمدند!» خطاب به همسرش گفت: «بچه ها را داخل اتاق ببر!!»

همسر این مرد نیز بی درنگ و با نگرانی کودکانش را به آغوش کشید تا آن ها را به داخل اتاق ببر اما در این هنگام مهاجمان مسلح پشت سر مرد جوان از پله ها بالا آمدند و او را که با چشمانی حیران و وحشت زده فرار می کرد به دام انداختند.

این مرد که سایه مرگ را بالای سر خود می دید با اضطرابی که سراسر وجودش را فرا گرفته بود از مسیر خود بازگشت تا در راهرو را به روی مهاجمان مسلح ببندد ولی دیگر دیده شده بود و ناگهان صدای شلیک گلوله های ساچمه ای در فضا پیچید و بر

قلب مرد ۲۴ ساله نشست! مردان مسلح با دیدن وضعیت وخیم «محمد رضا -ص» آمدند! «! خطاب به همسرش گفت: «بچه ها را داخل اتاق ببر!!»

همسر این وضعیت وحشت زده، دست وپایش را گم کرده بود، پیکر خون آلود همسرش را به تراس منزل کشید تا نیروهای اورژانس از راه برسند اما او دیگر جانی در بدن نداشت و با آخرین نفس هایش چشم به فرزندآن کوچکش دوخته بود که فقط صدای گریه آن ها را می شنید.

فرار گرفته بعد مرد ۲۴ ساله به دلیل اصابت گلوله های ساچمه ای جان سپرد و ماجرای این جنایت، پرونده ای دیگر را در دستگاه قضایی گشود.
دقایقی بعد با حضور قاضی

ویژه قتل عمد مشهد در محل وقوع جنایت، تحقیقات میدانی در این باره آغاز شد و تا سپیده دم روز بعد ادامه یافت. بررسی های مقدماتی حاکی از آن بود که مهاجمان مسلح به محل آشنایی داشته اند و زمانی را برای ارتکاب جنایت انتخاب کرده بودند که همسایه طبقه پایین مرد ۲۴ ساله نیز در منزلش حضور نداشت و آن ها به راحتی مرتکب قتل شدند.

بررسی های بیشتر درباره این جنایت هولناک در حالی با صدور دستورات ویژه ای از سوی قاضی احمدی نژاد توسط کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی ادامه دارد که سرخ های مهمی از مهاجمان نقابدار به دست آمده است.

قاتل به تماشای فیلم جنایت اش نشست!

۲۱ ساله، تحقیقات تخصصی و میدانی خود را در حالی آغاز کرد که متهم اصلی این پرونده جنایی توسط نیروهای انتظامی دستگیر و با دستور قضایی روانه زندان شده بود اما بررسی های ویژه و تخصصی قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد در همان دقایق اولیه آغاز تحقیقات و ابایی پنهان این پرونده جنایی را فاش کرد. بررسی های قاضی ویژه قتل عمد بیانگر آن بود که نزاع مرگبار مهاجمان به دلیل اختلافات و کینه قبیله دعواهای دیگری بوده است که هر کدام از متهمان پرونده نقشی در وقوع این جرایم داشته اند.

به دستور قاضی احمدی نژاد، متهم اصلی این پرونده از زندان به شعبه ویژه جنایی انتقال یافت اما باز هم ارتکاب جنایت را انکار کرد و در همین حال بود که مقام قضایی با صدور قرار بازداشت موقت، وی را در اختیار کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار داد تا بررسی های بیشتری درباره ماجرای این جنایت هولناک صورت گیرد.

از سوی دیگر نیز قاضی علی اکبر احمدی نژاد از کارآگاهان خواست تا فیلم ضبط شده از صحنه جنایت را برای متهم به قتل به نمایش بگذارند. این گونه بود که قاتل به تماشای فیلم جنایت خود نشست و با چشمانی حیرت زده، صحنه های وحشتناک وارد آوردن ضربات چاقو را به چشم خود دید. تحقیقات در این باره به سرپرستی سرهنگ علی بهرامزاده (رئیس دایره قتل عمد پلیس آگاهی خراسان رضوی) ادامه دارد.



تصویر اختصاصی خراسان از صحنه ضبط شده فیلم جنایت هولناک در منطقه طرق مشهد

هشت روز بعد بر اثر شدت عوارض ناشی از اصابت چاقو در مرکز درمانی جان سپرد و پرونده دیگری روی میز قاضی ویژه قتل عمد مشهد قرار گرفت.

بنابر گزارش اختصاصی خراسان، چهاردهم شهریور بود که قاضی علی اکبر احمدی نژاد در پی اعلام مرگ جوان



مادری دوقلوهایش را برای خرید موبایل فروخت

فروش دو نوزاد در چین توسط مادرشان مورد توجه رسانه ها قرار گرفت. مادر این دوقلوا اعلام کرده به دلیل فقر مالی و خرید موبایل حاضر شده فرزنداناش را بفروشد.

به گزارش رکتا، پلیس چین مادری جوان را به جرم فروختن دو نوزاد دوقلویی به قیمت ۷/۴۰۰ پوند دستگیر کرد.

بر اساس گزارش پلیس، متهم برای خرید موبایل و پرداخت هزینه های کارت اعتباری اقدام به فروختن نوزادانش کرد که پلیس توانست او را شناسایی و دستگیر کند.
از قرار معلوم، دو نوزاد به دو خانواده مختلف در چین فروخته شدند

را در سیاست گذاری و تقویت برخوردهای قضایی بسیار کم رنگ می بینند و ستاد راپاور و معین دستگاه قضایی نمی دانند. قاضی موحد خواستار بازنگری در سیاست جنایی برخورد با جرایم مواد مخدر شد و خاطرنشان کرد: تدوین و تصویب قانون جامع مبارزه با مواد مخدر و سیاست جنایی اختصاصی این جرایم و تفکیک آن از جرایم عمومی یک ضرورت است و غفلت از آن، زبان های جدی و غیر قابل جبرانی به جامعه وارد می کند.وی تشکیل بانک اطلاعاتی جامع کشور به شکل قابل دسترس برای قضات و نهادهای متولی

حوادث

۱۳

در امتداد روشنائی

عبور از دنیای خاکستری!

اگر چه اولین سیگار را با تعارف یکی از دوستانم در دوران دبیرستان لای انگشتانم گرفتم تحاسر غرور و مردانگی ام جلوه کند اما الکل و مواد مخدر زمانی وجودم را تسخیر کرد که با چهارتن از دانشجویان مشهدی خانه مجردی را در شهر محل تحصیلم اجاره کردیم و این گونه پا به دنیای تاریکی گذاشتم که ...

این ها بخشی از اظهارات مرد ۴۰ ساله ای است که بارها به خاطر سوء مصرف مواد مخدر تا پای مرگ رفته است. او که اکنون عضو فعال جمعیت الکلی های گمنام ایران به شمار می رود، با بیان این که صدای تشویق اهالی انجمن در اولین روز آغاز دوباره زندگی در روشنائی را هرگز از خاطر نمی برم در تشریح سرگذشت پرفراز و نشیب خود گفت: در خانواده ای فرهنگی به دنیا آمدم که اطرافیانم حداقل تحصیلات عالیه را داشتند.

سال ۱۳۶۴ وقتی کودکی خردسال بودم، پدرم برای تدریس به یکی از روستاهای شهرستان

شیروان در استان خراسان شمالی منتقل شد.

آن زمان مادر منیز در روستای جغتای شهرستان

سبزوار به دانش آموزان مقطع ابتدایی در س

می داد و من ساعت های زیادی را در کوچه های روستا بازی می کردم و گاهی نیز به کلاس

درس مادر می رفتم و با شاگردانش سرگرم می

شدم تا این که مادر من نیز به محل تدریس پدرم در

شیروان منتقل شد و خانواده ما در کنار یکدیگر

رنگ و بوی عاشقانه به خود گرفت.

به طوری که بهترین دوران زندگی من با همه خاطرات تلخ و شیرین در آن روستا سپری شد. اما وقتی پدر و مادرم به شهر منتقل شدند تازه متوجه کمبودهایم شدم. آرزوی داشتن دو چرخه، لباس های آن چنانی، لوازم تحریر گران قیمت و ... از موضوعاتی بود که مر آزار می داد. از سوی دیگر درگیری های لفظی و ناسازگاری های پدر و مادرم محیط خانه را برای من و خواهرانم زجرآور کرده بود. دلخوری ها، ناراحتی ها و کتک کاری های آن ها محیطی پر از آشوب و اضطراب را رقم زده بود و من همواره کمبود محبت را با تمام وجود حس می کردم.

در همین روزها بود که یکی از همکلاسی هایم اولین سیگار را به من تعارف کرد. آن روز وقتی سیگار را لای انگشتانم گذاشتم گویی بزرگی و مردانگی ام را به رخ دیگران می کشیدم اما نمی دانستم با این امیال سرکش در دوران دبیرستان به دره ای بی انتها سقوط می کنم. از سوی دیگر نیز برای فرار از نگاه های حقارت آمیز اطرافیان محکوم به ادامه تحصیل بودم.

چرا که همه اعضای خانواده و بستگان نزدیک

مان تحصیلات تکمیلی داشتند.

خلاصه من هم در مقطع کارشناسی قدم به

دانشگاه گذاشتم تا به آرزوهایم جامه عمل

بپوشانم. در این شرایط با چهارتن از بچه های

مشهد خانه مجردی در بستی را اجاره کر دیم

اما در وجود همه هم اتفاقی هایم بیماری الکل و

اعتیاد موج می زد. من هم برای اولین بار در کنار

بساتان اها مشروب و مواد مخدر را تجربه کردم.

احساسم این بود که دنیای خاکستری من به

رنگین کمان تبدیل شده است و من با رویاهایم

در آسمانی پر از شادی و هیجان پرواز می کنم.

اما طولی نکشید که خماری و در به دری با تحقیر

و توهین به سراغم آمد زیرا دیگر کسی برای یک

آدم معتاد ارزشی قائل نبود.

بالاخره مدرک تحصیلی ام را گرفتم و عازم

خدمت سربازی شدم اما زمانی به مشهد

باز گشتم که کوله بار ی از درد و بیچارگی را بر

دوشم انداخته بودم و بیماری اعتیاد و الکل

تمام وجودم را فرا گرفته بود. اگر چه از همان

روزها تصمیم به ترک اعتیاد گرفتم و در مان

های مختلفی را تجربه کردم اما همه این شیوه

هایی نتیجه بود و نوع مصرف من هر روز شکل

فرزاینده ای به خود می گرفت به طوری که به

خاطر مصرف انواع قرص های آرام بخش و مواد

مخدر صنعتی بارها تا پای مرگ پیش رفتم و

گاهی داخل خودروهای اورژانس به هوش می

آمدم حتی یک بار پنج شبانه روز با حالت اغما

در بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد با مرگ

دست و پنجه نرم کردم ولی گویی سرنوشت

دیگری برایم رقم خورده بود. بالاخره در سال

۱۳۹۲ برای آخرین بار تصمیم به ترک اعتیاد

گرفتم چرا که پسر م از وضعیت من خجالت

می کشید و همسر تهدید به طلاق کرده بود.

نشانی یک مرکز ترک اعتیاد را از آگهی های

روز نامه خراسان پیدا کردم و ۱۹ شبانه روز در

آن جابستری شدم. بعد از آن با راهنمایی یکی

از دوستان قدیمی ام و کمک یک روان شناس

در جلسات انجمن الکلی های گمنام در منطقه

کوهستان شرکت کردم. آن شب وقتی به عنوان

تازه وارد با تشویق مردمی روزها به خواب و بیهوشی

شدم، نور امیدی در دلم درخشید به طوری که

روح تازه ای یافتم. اکنون حدود شش سال از

آن زمان می گذرد و من پا به دنیایی روشن و پراز

رنگین کمان گذاشته ام و ...

ماجرا ی واقعی با همکاری روابط عمومی

انجمن الکلی های گمنام